یادداشت

برنج؛ محصولی پررنج

ادامه از صفحه اول

بدون حمایت همه‌جانبه از اقتصاد روستا، نمی‌توان کشاورز را برای کار و تولید در مزارع و باغات ترغیب و از باقی‌مانده منابع طبیعی کشور صیانت کرد. ده‌ها سال است که انگیزه کشاورزی تحت تأثیر نظام بهره‌برداری و خرده‌مالکی کم‌رنگ شده است. بهره‌گیری از تجارب موفق کشورهای هند، ایالات متحده، ژاپن، هلند، کره جنوبی، کنیا، گواتمالا، لهستان، روسیه و چین در حمایت از تعاونی‌های کشاورزی و دامی، می‌تواند این انگیزه را بازگرداند تا زمینه برای تشکیل تعاونی‌های خانوادگی، محلی، روستایی و شهرستانی فراهم شود. رونق تعاونی‌ها بدون ارائه تسهیلات بانکی و خدمات زیربنایی دولت برای ساماندهی اراضی کشاورزی و تجمیع و یکپارچه‌سازی زمین‌های کوچک به مزارع بزرگ و اقتصادی‌کردن کشاورزی ناممکن است.

مزارع زیر ۲۵ هکتار در شرایطی که کشاورز با چالش‌های متعددی مانند بالارفتن دستمزد کارگر، گرانی ماشین‌آلات و تجهیزات، کود، سم و بذرهای بی‌کیفیت، ناپایداری منابع آب، آلودگی‌های زیست‌محیطی، حذف یارانه‌ها و کاهش تسهیلات بانکی، ناکارآمدی نظام بازرگانی و تعرفه‌گذاری، واردات بی‌رویه و ناترازی نرخ خرید تضمینی برنج با هزینه‌های تولید و... دست‌وپنجه نرم می‌کند، هیچ‌گونه سودآوری و توجیه اقتصادی ندارد.

کود و سم نامرغوب داخلی و خارجی، زیست‌کُش و آلاینده آب، خاک و محیط زیست است و نه‌فقط آفات، قارچ‌ها، علف‌های هرز و... بلکه تمام جانداران مفید را نابود می‌کند. بنا بر گزارش سازمان جهاد کشاورزی گیلان در مزارع استان گیلان سالانه ۹۳ هزار تن سم و کود شیمیایی مصرف می‌شود. به‌کارگیری عوامل بیولوژیک مانند همزمانی کشت برنج با پرورش ماهی و اردک در شالیزار (بچه‌ماهیان رهاشده در شالیزار، از لاروِ کرم ساقه‌خوار برنج و جلبک‌ها تغذیه می‌کنند)، استفاده از حشرات مفید مانند زنبور تریکو گراما و... می‌تواند جایگزین مناسبی برای آفت‌کُش‌های شیمیایی باشد.

بذر به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نهاده‌ها، به طور متوسط ۱۰ درصد در افزایش میزان برداشت برنج مؤثر است. با اینکه هرساله مؤسسه تحقیقات بذر و نهال مدعی تولید و عرضه ارقام جدید بذر گواهی‌شده برنج با خلوص بالای ۹۸ درصد، عاری از بذر علف‌های هرز، آفات و بیماریه‌ای بذرزاد، مواد جامد و قوه نامیه بالای ۸۰ درصد با قیمت مصوب است، اما اغلب شالی‌کاران از این بذرها رضایت ندارند.

کمبود ماشین‌آلات استاندارد نشاکار و برداشت مکانیزه، گرانی پمپ آب کشاورزی، قطعات یدکی تیلر و تراکتور، پلاستیک، گونی و حمل‌ونقل، بالارفتن ۳۰ تا ۴۰ درصد دستمزد کارگر روزمزد و کارمزد هفت تا هشت درصدی تبدیل شلتوک به برنج سفید در شالی‌کوبی، هزینه‌های سرسام‌آوری را بر کشاورز تحمیل کرده است. بیشتر کارخانه‌های شالی‌کوبی به جای کارمزد نقدی، برنج سفید از کشاورز دریافت می‌کنند.

بازرگانی و قیمت‌گذاری محصولات راهبردی ازجمله برنج نیز همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. بازار برنج به‌ویژه در کوتاه‌مدت بسیار شکننده و مستعد نوسانات قیمتی است؛ نوساناتی که تحت تأثیر متغیرهای متعددی مانند سیاست‌های دولت در تنظیم بازار و تعادل نظام عرضه و تقاضا و تعرفه‌گذاری واردات، تعیین‌کننده اقتصاد کشاورزی است. این بازار، سال‌هاست که از ناکارآمدی نظام تعرفه‌گذاری و مافیای واردات با ارز ترجیحی در رنج است. دسترنج شالی‌کاران ایرانی به دلیل نوسانات شدید هزینه‌های تولید، توان رقابت با برنج‌های وارداتی بی‌کیفیت را ندارد. آنها بدون تسهیلات مالی، یارانه و حمایت‌های فنی دولت، نمی‌توانند این هزینه‌ها را جبران کنند. افزایش چندبرابری هزینه‌ها در سال جاری ازجمله افزایش ۱۳۲ درصدی قیمت کود و... درآمد کشاورزان را به‌شدت تقلیل داده است. تولیدکنندگان برنج، ماهانه فقط پنج تا هفت میلیون تومان سود خالص از محل تولید برنج در یک هکتار کسب می‌کنند و این میزان در برابر زحمات طاقت‌فرسای آنها بسیار ناچیز است و هرگز کفاف هزینه‌های تولید را نمی‌دهد.

طرح‌های اخیر دولت برای حمایت از شالی‌کاران مانند طرح کشت قراردادی برنج و طرح خرید توافقی برنج از سوی سازمان تعاون روستایی و طرح‌های کشت قراردادی ترویجی وزارت جهاد کشاورزی، اخذ عوارض از برنج‌های وارداتی و الزام واردکنندگان برنج به خرید توافقی برنج‌های داخلی به ازای واردات نیز تاکنون راه به جایی نبرده و نتوانسته از مزارع برنج محافظت کند.

براساس آمار گمرک، سال گذشته ۱.۰۵۶ میلیون تُن برنج سفید به ارزش حدود ۱.۲ میلیون دلار فقط از مبادی رسمی کشور ترخیص‌شده است. این ارز اگر صرف اصلاح ارقام برنج، تسطیح و تجمیع اراضی، تجهیز و نوسازی ماشین‌آلات کشاورزی و تأمین نهاده‌های مورد نیاز شالی‌کاران می‌شد، با کاهش قیمت تمام‌شده برنج، تولید آن به بیش از دومیلیون‌و ۵۰۰ هزار تُن افزایش می‌یافت. به گفته کارشناسان، مافیای واردات برنج با آمارسازی‌های غیرواقعی از میزان مصرف این کالا، مازاد بر نیاز برنج وارد می‌کند. رسوب برنج وارداتی تا مدت‌ها باعث بی‌تعادلی در بازار برنج می‌شود. برنج در مقایسه با دیگر دانه‌ها، ماندگاری بیشتری برای ذخیره‌سازی در انبار دارد.

مداخله هدفمند دولت از طریق خرید تضمینی برنج در زمان مناسب، یکی از گزینه‌های مهم برای دستیابی به این هدف یعنی افزایش عایدی تولیدکننده و کنترل بازار است. در واقع، دولت از طریق مداخله و نظارت به‌موقع با هدف قیمت‌گذاری متعادل و حمایت هم‌زمان از مصرف‌کننده و تولیدکننده، حذف واسطه‌ها و مشارکت بانک‌ها، اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی و تشکل‌های خصوصی، می‌تواند بازار برنج را به ثبات برساند.

با وجود تأکید قانون‌گذار در قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی مبنی بر ابلاغ نرخ رسمی ۳۲ قلم کالای اساسی ازجمله برنج تا پایان تیرماه از سوی شورای قیمت‌گذاری، تا زمان نگارش این مقاله (۳۱ شهریور)، همچنان نرخ تضمینی خرید برنج اعلام نشده و طبق آمار اتحادیه شالی‌کوبی‌داران استان مازندران در هر واحد شالی‌کوبی به طور متوسط ۲۵۰ تا ۳۰۰ تُن برنج سفید انبار شده است.

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR

«اخطاریه»
دفترخانه ازدواج شماره ۱۷۱ و طلاق شماره ۶۹ شهر تهران استان تهران
تهران، شهرک غرب، بلوار دادمان، پلاک ۸۸، طبقه پنجم، واحد یک ۰۲۱۸۸۵۶۲۲۸۵
مخاطب محترم با سلام نام مخاطب: آقای حمیدرضا پورحاجی شیرازی به نشانی مجهول المکان به اطلاع می رساند: همسر سابق شما خانم النازرجبی شمامی جهت اجرای دادنامه ۱۲۴۴۵۴۴ به این دفتر مراجعه و تقاضای ثبت طلاق را نمودند. طلاق شما ذیل شماره ۴۵۸۵ مورخ ۱۴۰۳/۶/۲۷ دفتر طلاق ۶۹ تهران به ثبت رسیده است. لطفا با ارائه شناسنامه نسبت به ثبت آن اقدام نمایید. آدرس دفترخانه: تهران شهرک غرب، بلوار دادمان پلاک ۸۸ طبقه ۵

آلمانی‌ها پای صندوق‌های رأی می‌روند

تهدید پایگاه سوسیال‌دموکرات‌ها

ایالت براندنبورگ آلمان ممکن است در آستانه یک تغییر سیاسی بزرگ باشد؛ زیرا رأی‌دهندگان در آخر هفته جاری در رقابتی تنگاتنگ بین حزب آلترناتیو برای آلمان و حزب سوسیال‌دموکرات به پای صندوق‌های رأی می‌روند. آخرین نظرسنجی سیاسی «زد د اف» نشان می‌دهد که حزب راست‌گرای آلترناتیو برای آلمان با ۲۸ درصد آرا پیشتاز است و حزب راست میانه سوسیال‌دموکرات که مدت‌هاست نتایج این منطقه را کلیدی می‌داند، با ۲۷ درصد آرا در جایگاه دوم قرار دارد. آلترناتیو برای آلمان امیدوار است موفقیت‌های اخیر خود در زاکسن و تورینگن را تکرار کند و به عنوان یک نیروی سیاسی پیشرو ظاهر شود. آلترناتیو برای آلمان در اول سپتامبر حدود ۳۳ درصد در تورینگن و ۳۱ درصد در زاکسن رأی آورد و رکورد جدیدی را در شرق آلمان به ثبت رساند. پیروزی آلترناتیو برای آلمان در ایالت شرقی براندنبورگ که پایتخت کشور، برلین را تحت‌الشعاع خود قرار داده، به منزله یک شکست بی‌سابقه برای حزب سوسیال‌دموکرات تعبیر می‌شود که از زمان فروپاشی دیوار برلین در این ایالت دست بالا را داشته است. این پیروزی در عمل می‌تواند جایگاه اولاف شولتس، صدراعظم آلمان را در ایالت خود تهدید کند. این ایالت میزبان اولین کارخانه تسلا در اروپا بوده و مناطق مرفهی را در کمربند مسکونی برلین در خود جای داده است، اما بسیاری از روستاها و اراضی کشاورزی آن ده‌ها سال است که در سراشیبی سقوط قرار گرفته‌اند. هانس کریستوف برنت، نامزد پیشرو حزب آلترناتیو برای آلمان، با استفاده از نارضایتی مردم محلی سلطه سوسیال‌دموکرات‌ها را به چالش می‌کشد. در مانیفست برنت آمده است: «پرسش‌های مهمی وجود دارد: چرا توربین‌های بادی باید کل براندنبورگ را اشغال کند؟ چرا نفت و گاز روسیه را کنار می‌گذاریم و در عوض از آن سوی دنیا گاز مایع گران‌قیمت وارد می‌کنیم؟ چرا پرداخت اجاره‌بها و هزینه‌های ساخت‌وساز از توان ما خارج است؟ چرا فرزندان ما در مدرسه خواندن و نوشتن را به‌درستی یاد نمی‌گیرند؟ چرا جرائم خشونت‌بار رو به افزایش است؟ و چرا در شهر خودمان احساس غریبی می‌کنیم؟». او می‌گوید: «افت شدید کیفیت آموزش مصداق تلاش برای از بین بردن تفکر انتقادی مردمان براندنبورگ است. تدابیر اغراق‌آمیز و بدون پایه و اساس پزشکی درباره کووید۱۹ به همه نشان داد که دولت ایالتی به منافع براندنبورگ اهمیت نمی‌دهد و مطیعانه از دستورالعمل‌های برلین و بروکسل تبعیت می‌کند».

پیامدهای شگرف: ریچارد شنک، پژوهشگر اندیشکده ام‌سی‌سی بروکسل، به اپک‌تایمز گفت: «آلترناتیو برای آلمان ریشه‌های عمیقی در براندنبورگ دارد و برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ وارد پارلمان ایالتی شده است. هرچند این ایالت از نظر تاریخی پایگاه سوسیال‌دموکرات‌ها محسوب می‌شود». او می‌گوید: «اساسا فقط پای حزب سوسیال‌دموکرات و حزب آلترناتیو برای آلمان در میان است. اگر حزب سوسیال‌دموکرات با یک نامزد محبوب شکست بخورد، پیامدهای شگرفی به دنبال خواهد داشت. این نشان می‌دهد که بدنامی دولت فدرال به حدی رسیده که حتی یک نامزد محبوب در یک شهر کلیدی هم نمی‌تواند در انتخابات به پیروزی برسد». شنک توضیح داد مردم به‌طور کلی از دولت ایالتی رضایت دارند، اما دولت فدرال به‌شدت نامحبوب است. فقط ۱۴ درصد از مردم در کل آلمان معتقدند دولت وظیفه‌اش را به‌خوبی انجام می‌دهد. او افزود مسائل انرژی و بحران مهاجرت در منطقه روستایی براندنبورگ طنین‌انداز شده‌اند. شنک گفت: «براندنبورگ در گذشته میزبان بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت روسیه در آلمان بود و دولت فدرال واردات نفت روسیه را متوقف کرد». او افزود حزب آلترناتیو برای آلمان تنها حزبی است که واقعا از نارضایتی ناشی از افزایش مزارع بادی در این ایالت بیشترین استفاده را برده است. اگر حزب سوسیال‌دموکرات در براندنبورگ دچار لغزش شود، راه حزب دموکرات‌مسیحی آلمان برای تشکیل ائتلاف با حمایت حزب چپ‌گرای ناسیونالیست، پوپولیست، اروپاگریز و محافظه‌کار ائتلاف زارا واگنکنشت همواره خواهد شد. شنک گفت: «ائتلاف زارا واگنکنشت در سه انتخابات قبلی بزرگ‌ترین عامل پیروزی نامزدها در انتخابات این دو ایالت بوده و این امر به احتمال زیاد در براندنبورگ نیز تکرار خواهد شد».

ناتوانی در تشکیل ائتلاف: ناامیدی گسترده از ائتلاف چپ لیبرال شولتس که حزب سبزها و حزب دموکرات آزاد آلمان را شامل می‌شود، افزایش یافته و بسیاری از آلمانی‌ها معتقدند حزب آلترناتیو برای آلمان با رویکرد بهتری از احزاب مستقر به مسائل کشور رسیدگی می‌کند. این احزاب اغلب مواضع ایدئولوژیک را به راهکارهای منطقی ترجیح می‌دهند که از شکاف عمیق بین آلمان شرقی و غربی حکایت دارد. سرویس‌های امنیت داخلی، حزب آلترناتیو برای آلمان را از سال ۲۰۲۱ به عنوان یک حزب بالقوه افراطی در نظر گرفته‌اند که به آنها اجازه می‌دهد فعالیت این حزب را زیر نظر بگیرند. بااین‌حال، این حزب افراطی‌بودن خود را قبول ندارد. در واکنش به اینکه حزب آلترناتیو برای آلمان برای اولین بار به قوی‌ترین حزب در یک ایالت فدرال تبدیل می‌شود، شولتس از دیگر احزاب خواسته مانع قدرت‌گرفتن آلترناتیو برای آلمان شوند. شولتس از آن زمان تاکنون نتوانسته ائتلافی تشکیل بدهد. حزب سوسیال‌دموکرات گفت نمی‌تواند دراین‌باره اظهارنظر کند. اپک‌تایمز برای اظهارنظر با حزب آلترناتیو برای آلمان نیز تماس گرفت.

گزارش جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان آمریکا:

بایدن مسئول فاجعه افغانستان است

جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان آمریکا گزارشی انتقادی درباره تحقیقات در زمینه خروج آمریکا از افغانستان منتشر کردند که در آن دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، «مسئول پایان فاجعه‌بار طولانی‌ترین جنگ این کشور» معرفی شده است. این گزارش به بررسی جزئیات خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان پرداخته و عنوان می‌کند که این خروج که با هرج‌ومرج و شکست‌های متعدد همراه بود، نتیجه تصمیمات نادرست دولت بایدن است. در این گزارش نقش دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا که توافق خروج با طالبان را در فوریه ۲۰۲۰ امضا کرده بود، به حداقل رسیده است. در روزهای گذشته کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ایالات متحده، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه را به حضور در جلسه‌ای احضار کرد تا درباره گزارش این کمیته در زمینه خروج آمریکا از افغانستان صحبت کند. به گزارش آسوشیتدپرس، در این گزارش ۳۵۰ صفحه‌ای که محصول بیش از ۱۸ ماه تحقیق و بررسی است، شهادت‌ها و مصاحبه‌هایی با مقامات ارشد نظامی و دولتی ازجمله ژنرال مارک میلی، رئیس سابق ستاد مشترک و ژنرال بازنشسته فرانک مک‌کنزی، فرمانده سابق نیروهای مرکزی ایالات متحده، جمع‌آوری شده است. همچنین بیش از ۲۰ هزار صفحه اسناد وزارت امور خارجه بررسی شده و در این گزارش گنجانده شده است. گزارش جمهوری‌خواهان به‌ویژه بر ماه‌های منتهی به خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تمرکز دارد و عنوان می‌کند که دولت بایدن هشدارها و توصیه‌های مقامات میدانی را نادیده گرفته است. همچنین اشاره شده است که تصمیمات کلیدی بدون مشورت با مقامات نظامی و دیپلماتیک گرفته شده و بیشتر بر اساس توصیه‌های جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن بوده است.

اصرار برای باز نگه‌داشتن سفارت: این گزارش همچنین بیان می‌کند که دولت بایدن با وجود نقض تعهدات از سوی طالبان، به توافق خروج ادامه داده است. درحالی‌که بر اساس این توافق، طالبان متعهد شده بودند که وارد مذاکرات با دولت وقت افغانستان شوند، اما آنها به این تعهدات عمل نکردند و در نهایت طالبان توانستند با سرعت بیشتری از آنچه مقامات آمریکایی پیش‌بینی کرده بودند، شهرهای کلیدی افغانستان را تصرف کنند. در گزارش جمهوری‌خواهان، به تلاش‌های دولت بایدن برای حفظ سفارت آمریکا در کابل و تصمیمات مرتبط با آن اشاره شده است که به اعتقاد آنها، منجر به به‌خطرافتادن جان پرسنل دیپلماتیک آمریکایی شد. ژنرال مک‌کنزی در شهادتش به کمیته گفته است که اصرار دولت بایدن برای باز نگه‌داشتن سفارت تا آخرین لحظه، «نقصی کشنده» بود که به بحران آگوست ۲۰۲۱ منجر شد. علاوه‌براین در این گزارش اشاره شده که برخی از گزارش‌های امنیتی که خطرات برای پرسنل آمریکایی را هشدار داده بودند، از طرف مقامات وزارت امور خارجه تغییر یافته یا حتی بازنویسی شده‌اند تا نگرانی‌های امنیتی کاهش یابد. کارول پرز، معاون موقت وزارت امور خارجه در زمان خروج، در شهادتی به کمیته جمهوری‌خواهان گفت: «ما هنوز در حال برنامه‌ریزی بودیم که کابل سقوط کرد». گزارش جمهوری‌خواهان به‌شدت از بایدن انتقاد کرده و می‌گوید که او مسئول اصلی این خروج پرهرج‌ومرج است، درعین‌حال اشاره می‌کند که بایدن با توجه به توافقی که از طرف ترامپ امضا شده بود، در موقعیتی بسیار دشوار قرار داشت. در این توافق، ترامپ متعهد شده بود تمام نیروهای آمریکایی و پیمانکاران نظامی تا بهار ۲۰۲۱ از افغانستان خارج شوند، اما طالبان به تعهدات خود پایبند نماندند و حملات خود را علیه نیروهای افغان افزایش دادند. با این حال این گزارش نقش زلمای خلیل‌زاد، سفیر سابق آمریکا در افغانستان و مذاکره‌کننده اصلی توافق با طالبان را در تصمیمات دولت ترامپ برجسته کرده و عنوان می‌کند که ترامپ بر اساس توصیه‌های رهبران نظامی آمریکا تصمیم به کاهش تعداد نیروهای آمریکایی در افغانستان گرفته است. در پاسخ به انتشار این گزارش، جان کربی، سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید، روز دوشنبه گفت گزارش جدید جمهوری‌خواهان در مجلس نمایندگان آمریکا درباره خروج نیروهای این کشور از افغانستان، هیچ چیز جدیدی دراین‌باره نشان نمی‌دهد. سال گذشته کوری میلز، عضو جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان ایالات متحده، اعلام کرد که طرح استیضاح لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا را به دلیل نحوه مدیریتش در روند خروج نیروهای نظامی این کشور از افغانستان، به کنگره ارائه خواهد داد. کوری میلز از خروج آمریکا از افغانستان به‌عنوان «عقب‌نشینی آشفته» یاد کرد که به رهاشدن شهروندان و متحدان آمریکایی و همچنین تلفات گسترده نظامیان و غیرنظامیان منجر شد. میلز تأکید کرده بود که مقام‌های بلندپایه در دولت بایدن به هشدارهای اطلاعاتی درباره خطر احتمالی حمله به آمریکایی‌ها و متحدان‌شان توجه نکردند؛ درحالی‌که این هشدارها از قبل وجود داشتند. سابرینا سینگ، معاون سخنگوی پنتاگون، پیش‌تر با اشاره به تداوم تهدیدها علیه نظامیان آمریکایی در منطقه غرب آسیا، گفته بود تا زمانی که به حضور نیروها در منطقه نیاز باشد، در این منطقه خواهند ماند. خروج آمریکا به حضور تقریبا دو دهه‌ای نیروهای آمریکایی و متحدان پایان داد که با هدف بیرون‌راندن شبه‌نظامیان القاعده که مسئول حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده بودند، آغاز شده بود. طالبان به رهبر القاعده، اسامه بن‌لادن، اجازه داده بود تا در افغانستان پناه بگیرد. به نوشته آسوشیتدپرس، با توجه به شرکت‌نکردن دوباره بایدن در انتخابات، ترامپ و متحدانش در حزب جمهوری‌خواه تلاش کرده‌اند تا موضوع خروج از افغانستان را به‌عنوان یک مسئله انتخاباتی علیه کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور و رقیب دموکرات ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، مطرح کنند. گزارش جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان به مسئولیت کلی هریس به‌عنوان مشاور بایدن اشاره کرده، اما هیچ مشاوره یا اقدام مشخصی از سوی هریس را که منجر به این شکست‌ها شده باشد، ذکر نمی‌کند.

ضرورت گفت‌وگوی ملی

ادامه از صفحه اول

به همین منظور جلسه‌ای با حضور طرفین در مهمانسرای استانداری فارس برپا شد. پس از تعارفات مرسوم، ابتدا آقای تیرزه از آقای حائری پرسید که این شعار و پیشنهاد آقای خاتمی رئیس‌جمهور کشورتان به جهان مبنی بر «گفت‌وگوی تمدن‌ها» را قبول دارید؟ آیت‌الله حائری ضمن عبور از پرسش رئیس مجلس آلمان از دولت آلمان به سبب اینکه در دوران جنگ تحمیلی سلاح‌های شیمیایی به عراق داده، انتقاد و گلایه کرد. در پاسخ رئیس مجلس آلمان ضمن پذیرش انتقاد از اقدام دولت آلمان عذرخواهی کرد و سپس پرسش خود را تکرار و از آیت‌الله حائری درخواست کرد تا در این خصوص اظهارنظر کند. در ادامه و پس از بحث‌های گوناگون دیگر، سرانجام آقای حائری اظهار کرد که این شعار رئیس‌جمهور ایران در واقع سخن و سیره پیامبر اسلام است که مردم جهان را با اعزام سفرای خود به صلح و دوستی و خداپرستی دعوت می‌کرد و ما از این پیشنهاد حمایت می‌کنیم و معتقدیم بشریت امروز باید مشکلات خود را از طریق گفت‌وگو حل‌وفصل کند. در پاسخ به سخنان آقای حائری، رئیس پارلمان آلمان ضمن تشکر از پاسخ صریح ایشان، اظهار کرد اگر شما جهان را به گفت‌وگو دعوت می‌کنید و منادی گفت‌وگوی تمدن‌ها به جای جنگ تمدن‌ها هستید، چرا این گفت‌وگو را از درون آغاز و تمرین نمی‌کنید تا الگویی آماده به جهان ارائه دهید. او در ادامه به روابط اقلیت و اکثریت در کشور آلمان پرداخت و گفت من از حزب سوسیال‌دموکرات آلمان هستم که در حال حاضر در پارلمان و دولت از اکثریت برخوردار است اما حقوق اقلیت را نیز به رسمیت می‌شناسد. در همین هیئت همراه من رئیس حزب دموکرات‌مسیحی (جناح اقلیت در مجلس آلمان) حضور دارد و در تمام دیدارها حاضر است. اما به نظر می‌رسد در ایران گروه اقلیت که در حال حاضر خارج از حاکمیت است، اکثریت را به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین پیش‌نیاز دعوت جهان به گفت‌وگو، برگزاری گفت‌وگوهای ملی است تا با پشتوانه مستحکم‌تری بتوان بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها را پیش برد. در پاسخ به این اظهارات آیت‌الله حائری مطالب قانع‌کننده‌ای بیان نکرد و جلسه با طرح چند بحث فلسفی از سوی دو طرف خاتمه یافت. در پایان جلسه از آقای تیرزه پرسیدم که ارزیابی او از این دیدار چیست؟ گفت که در ابتدای نشست کمی ترسیدم زیرا آیت‌الله حائری با چهره‌ای درهم‌کشیده و تلخ وارد شدند و حتی خانم‌های حاضر در جلسه هم ترسیده بودند. اما در مجموع از این گفت‌وگو و نشست راضی به نظر می‌رسید. ناگفته نماند که در طول سفر رئیس مجلس آلمان به ایران، صداوسیما چندین برنامه علیه آنها پخش کردند که موجب تعجب هیئت آلمانی شده بود. هنگام خداحافظی در فرودگاه مهرآباد از زندگی شخصی او پرسیدم، گفت که در آلمان رئیس پارلمان شخص دوم کشور است و می‌تواند در کاخ زندگی کند، محافظ داشته باشد و با هواپیمای اختصاصی سفر کند اما من هیچ‌کدام از اینها را نخواسته‌ام و در آپارتمان سه‌اتاقه خود در برلین شرقی زندگی می‌کنم. بدون تردید بیان چنین تجاربی و آشنایی با دیدگاه‌هایی از این دست می‌تواند در برنامه‌های دولت در تنظیم روابط ملی و بین‌المللی مؤثر واقع شود. هنگامی که ما در ایران و در هفته وحدت از وحدت می‌گوییم و در مراسم مکه مسلمین را به وحدت دعوت می‌کنیم و دولت برنامه سیاسی خود را وفاق ملی اعلام می‌کند، باید به لوازم آن نیز پایبند شد. امروز ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند طرح گفت‌وگوی ملی است. وفاق ملی زمانی محقق می‌شود که فرصت دیده‌شدن و شنیدن دیدگاه همه نحله‌های فکری، قومی، سیاسی،مذهبی، پیر و جوان، زن و مرد فراهم شود، آنها که انتخابات را تحریم کردند و آنهایی که آمدند، عزیزانی که آزادند یا در حصر و حبس هستند، همه فرزندان ایران و سهیم و شریک در این آب و خاک هستند و از حقوق انسانی یکسانی برخوردارند. همه اقشار و اصناف و طبقات اجتماعی در آفرینش وفاق ملی صاحب حق هستند. گفت‌وگوی ملی یعنی ایجاد زمینه‌های لازم و اطمینان‌بخش برای تضارب آرا و اندیشه‌ها و ارائه دیدگاه‌های متفاوت. اگر امروز دولت معتقد است و می‌خواهد که صدای همه مردم ایران باشد، باید بسترهای آن را از طریق گفت‌وگوی آزاد ملی فراهم کند. فرصت‌سازی برای ایجاد تشکل‌های سیاسی، صنفی، علمی، فکری و فرهنگی و اجتماعی، رسانه‌های آزاد و مستقل، تأمین امنیت منتقدین و پاسداری از حقوق شهروندی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی «که رئیس‌جمهور مسئول مستقیم اجرای آن است و برای آن سوگند یاد کرده» بخشی از راهکارهای زمینه‌ساز وفاق ملی است. اگر چنین شد، آن‌گاه می‌توانیم این الگوی موفق را به جهان نیز عرضه کنیم. تجربه کشورهای موفق در این زمینه و تجارب به‌جای‌مانده از کامیابی‌ها و ناکامی‌های دولت اصلاحات فراروی دولت چهاردهم است. گفت‌وگوی مردم با مردم، مردم با دولت، دولت با مردم، حاکمیت با مردم و مردم با حاکمیت بدون لکنت زبان هم آموزه‌ای دینی است و هم تکلیفی ملی و وظیفه‌ای بایسته برای دولت (به مناسبت ۳۰ شهریور، یادروز طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها).

گزارش

ترامپ: دیگر برای مناظره دیر است

رئیس‌جمهور سابق آمریکا می‌گوید برای برگزاری مناظره دیگر دیر است؛ چراکه رأی‌گیری آغاز شده و رقیب دموکرات با پیشنهادهای قبلی مخالفت کرده است. کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، با دعوت سی‌ان‌ان برای برگزاری مناظره دوم با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، موافقت کرده بود، اما احتمال رویارویی مجدد نامزدهای ریاست‌جمهوری بسیار بعید به نظر می‌رسید؛ زیرا رئیس‌جمهور سابق آمریکا در همان روز به حاضران در گردهمایی کارولینای شمالی گفته بود که با توجه به تاریخ انتخابات، برای برگزاری مناظره خیلی دیر است.

هریس در پستی در شبکه اجتماعی ایکس، در پاسخ به کیتلان کالینز، مجری سی‌ان‌ان، گفت: «با کمال میل با برگزاری دومین مناظره ریاست‌جمهوری در ۲۳ اکتبر موافقت می‌کنم. امیدوارم دونالد ترامپ هم موافقت کند». کارزار انتخاباتی ترامپ با اشاره به پست ۱۲ سپتامبر او در تروث‌سوشال در پاسخ به پرسش اپک‌تایمز درباره دعوت سی‌ان‌ان نوشت که قطعا مناظره دیگری برگزار نخواهد شد.

ترامپ گفت که در حال پیاده‌شدن از هواپیما متوجه پیشنهاد سی‌ان‌ان شد و این دعوت را تلاشی از روی ناچاری برای احیای کارزار ظاهرا شکست‌خورده هریس خواند. ترامپ گفت مناظره دوم با هریس «سرگرمی خوبی» خواهد بود، اما به دلیل زمان برگزاری آن فایده چندانی نخواهد داشت.

رئیس‌جمهور سابق آمریکا ضمن اشاره به مخالفت هریس با پیشنهاد قبلی او مبنی بر مناظره در فاکس، گفت: «مشکل مناظره دوم این است که دیگر دیر است و رأی‌گیری از حالا شروع شده است». ترامپ گفت: «فاکس از ما دعوت کرد و من کلی منتظر ماندم. آنها مخالفت کردند، اما حالا می‌خواهند درست قبل از انتخابات در سی‌ان‌ان مناظره کنند؛ زیرا شکست سنگینی در پیش دارند».

به گفته این شبکه، مناظره پیشنهادی در استودیوی سی‌ان‌ان در آتلانتا برگزار می‌شود و اساسا شبیه مناظره ترامپ و جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در ماه ژوئن خواهد بود. اگر مناظره ۲۳ اکتبر برگزار می‌شد، ترامپ و هریس به‌مدت ۹۰ دقیقه در غیاب تماشاگران استودیویی به پرسش‌های مجریان پاسخ می‌دادند. اظهارات ترامپ در کارولینای شمالی از همان موضع قبلی او پس از مناظره نخست با هریس حکایت دارد که گفته بود مناظره دیگری بین آنها برگزار نخواهد شد. ترامپ در آن مقطع در جمله‌ای استعاری هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا را به مشت‌زنی تشبیه کرد که در مبارزه‌اش شکست خورده است. رئیس‌جمهور سابق آمریکا با حروف درشت در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «وقتی یک مشت‌زن در مبارزه‌اش شکست می‌خورد، اولین چیزی که می‌گوید این است که می‌خواهم دوباره مسابقه بدهم». ترامپ در ادامه به نقل از نظرسنجی‌های غیررسمی گفت برنده مناظره بوده است.

در همین حال، رویترز، بر اساس اسناد مالی منتشرشده از کارزارهای انتخاباتی کامالا هریس و دونالد ترامپ، در گزارشی نوشت کارزار نماینده دموکرات‌ها در ماه آگوست حدود سه برابر بیشتر از رقیبش دونالد ترامپ خرج کرده است. در این گزارش اشاره شده که کارزارهای انتخاباتی معاون جو بایدن و رئیس‌جمهوری سابق آمریکا در حال ورود به آخرین مرحله رقابت فشرده انتخاباتی ریاست‌جمهوری ایالات متحده است.

کامالا هریس که در ماه جولای جایگزین جو بایدن شد و کارزار انتخاباتی‌اش را آغاز کرد، از هزینه ۱۷۴ میلیون دلاری در ماه گذشته خبر داد. در همین حال بر اساس گزارشی که کارزار دونالد ترامپ به کمیسیون انتخابات فدرال ارسال کرده است، ستاد انتخاباتی نامزد جمهوری‌خواهان هزینه‌های ماه آگوست را ۶۱ میلیون دلار گزارش کرد.